

«تدفین» در فرهنگ‌های متفاوت

ادامه از صفحه اول

نخستین اسکلت پیدا شده از انسان در قبر به ۱۰۰ هزار سال قبل و در منطقه آسیای غربی برمی گردد که همراه آن سر یک گراز و برخی ابزار دیگر دفن شده اند.

کهن‌ترین اشکال دفن آدم‌ها، حالت جنینی بوده است. تقریباً به ۵۰ هزار سال قبل از میلاد مسیح، جنازه را مانند جنینی که در شکم مادر است و به پهلو، خوابیده در گور می گذاشتند، شاید به این دلیل که امید داشته‌اند فرد بیدار می‌شود و تولد دیگری خواهد داشت. به دنبال همین احتمال در دورانی مرده‌های داخل گور را با طناب می‌بستند چون باور داشتند که مرده‌ها زنده شده و به سراغ دیگران می‌آیند.

* صخره یادبود در آب

این صخره از خاکسترهای حاصل از سوزاندن فرد متوفی که با بتن مخلوط شده ساخته می‌شود و آن را در آب قرار می‌دهند. کسانی که از این روش استفاده می‌کنند، اعتقاد دارند این صخره‌ها با محیط زیست سازگار هستند و می‌توانند زیستگاه جدیدی برای ماهی‌ها و دیگر موجودات داخل دریا ایجاد کنند. البته ساختن و نصب این صخره‌ها هزینه زیادی دارد و در مناطقی چون فلوریدا، کارولینای جنوبی و شمالی، مریلند، نیوجرسی، تگزاس و ویرجینیا استفاده می‌شود.

پیش از آن نیز سپردن جنازه به آب رواج داشته و در تبت، هرگاه زنان باردار و جذامیان می‌مردند، جنازه آنان را به رود می‌سپردند. وایکینگ‌ها نعش مردگان‌شان را سوار قایق کوچکی می‌کردند و به آب می‌سپردند. در آلمان اخیراً تدفین در آب مرسوم شده است. در این نوع تدفین جنازه را ابتدا می‌سوزانند و سپس خاکستر آن را در ظرفی قرار می‌دهند که در آب حل می‌شود و ظرف را به آب می‌سپارند.

هیدرولیز قلبی جسد

این روش دفن را هم در دسته تدفین‌های طبیعی قرار می‌دهند! به این شکل که جسد را در محفظه فولادی ضد زنگ قرار می‌دهند و با اضافه کردن محلول‌های شیمیایی، این فرصت را به جسد می‌دهند که به آرامی حل شود و در نهایت فقط استخوان‌ها باقی می‌ماند که آن‌ها را در دستگای پودر می‌کنند. برای خانواده کسی که در گذشته در پایان پودر استخوان‌ها و مایعی که جسد فرد در گذشته در آن حل شده باقی می‌ماند! این روش نسبت به سوزاندن جسد از این جهت برتری دارد که دیگر گازهای گلخانه‌ای وارد هوا نمی‌شود و آبی که از مرده به دست می‌آید بعد از تصفیه، منبعی از مواد آلی برای گیاهان است و می‌توان از آن در پرورش سبزیجات و میوه‌ها استفاده کرد. البته این روش بسیار پیشرفته‌ای است و برخی کشورها از جمله انگلستان از این تکنولوژی در مدارس و دانشگاه‌های علوم پزشکی بهره می‌برند.

سوزاندن جسد

در هندوستان، سوزاندن مرده‌ها مرسوم‌ترین شکل تدفین است. هزار و پانصد سال پیش از میلاد مسیح ژرمن‌ها مرده را می‌سوزاندند و خاکستر آن را به همراه اشیای زینتی که از مرده به جای مانده بود، در یک ظرف گلی ساده جمع می‌کردند. در میان هندوها رسم است که وقتی کسی می‌میرد، اگر دارای فرزند است، پسر ارشد می‌بایست آتش را بیفزورد. هندوها اعتقاد دارند که روح مرده با سوزاندن جسد او آزاد می‌شود. در غرب سوزاندن مرده مرسوم است. خاکستر مرده و برخی حیوانات خانگی را در ظرفی می‌گذارند و سپس این ظرف را در خاک قرار می‌دهند.

در زمان رومی‌ها وقتی مرده‌ای در آتش می‌سوخت، بازماندگان از دیدن دودی که از جنازه

برمی‌خواست تصور می‌کردند که روح مرده همراه با آن دود به آسمان می‌رود و با این فکر خود را تسلی می‌دادند. در قرون وسطی فقط زنانی را که به جادوگری متهم می‌شدند، پس از محاکمه در محاکم تفتیش عقاید با آتش می‌سوزاندند تا با این تمهید روح شیطنی و پلید جادوگران همراه با جسم‌شان برای همیشه نابود شود.

اما پس از اینکه دین مسیحیت و اسلام فراگیر شد، این اعتقاد به وجود آمد که جسد را در کفن بیچاندن یا به همراه تابوت در قبر بگذارند

یک اتفاق بسیار مهم برای فرد می‌پندارند، مراسم بسیاری برای متوفی برگزار می‌کنند و در نهایت جسد فرد را در مجموعه‌ای از برگ‌ها می‌پیچانند تا در طبیعت بپوسد و از بین برود.

بردگان آفریقایی که در آمریکا کار می‌کردند هم مانند دیگران به خاک سپرده می‌شدند، با این تفاوت که آن‌ها باید مراسم خود را شب و دور از چشم اربابان برگزار می‌کردند. همچنین جسد فرد را داخل پارچه‌ای می‌پیچانند و دست‌هایش را روی سینه قرار می‌دادند و همراه او علاوه بر



برخی لوازم شخصی که پیشکشی برای مرده‌ها می‌دانستند، یک صفحه فلزی هم قرار می‌دادند تا اگر ارواح به او حمله کردند، بتواند از خودش دفاع کند.

در آمریکای شمالی، در قبیله سمیول از قباایل سرخپوستان، مردگان را در تنه پوک درختان می‌گذاشتند تا به تدریج تجزیه شوند. برخی قباایل سرخپوست نیز هنگام کوچ از جایی به جایی دیگر مردگان‌شان را روی زمین می‌گذاشتند و به کوچ خود ادامه می‌دادند. سالخوردگان این قباایل

در برخی فرهنگ مرده‌ها را با

تشریفات کامل رسمی برای دفن حاضر می‌کنند و همراه او وسیله‌های شخصی‌اش را هم قرار می‌دهند؛ با این تصور که مرده‌ها در زندگی پس از مرگ به این وسیله‌ها نیاز پیدا می‌کنند

نیز، وقتی هنگام مرگ‌شان فرامی‌رسید، از قبیله جدا می‌شدند و به کوه می‌زدند و در آرامش و در انزوا می‌مردند. جنازه آنان نیز در همان محل می‌ماند تا به تدریج تجزیه شود و از بین برود.

در یونان قدیم مردگان را در تابوتی از سنگ آهک قرار می‌دادند و این تابوت سنگی را «سارکوفگوس» یا «گوشته‌خوار» می‌خواندند. واژه تابوت در برخی زبان‌ها از جمله آلمانی و فرانسه رایج‌ها از همین واژه سارکوفگوس استخراج کردند.

در قرون وسطی گمان می‌کردند روح انسان در قلب او جای دارد، از این رو برخی پادشاهان و هنرمندان بزرگ وصیت می‌کردند که قلب‌شان را جداگانه دفن کنند. ریچارد شیردل، ناپلئون بناپارت، دانتو و شوین از مشاهیری‌اند که قلب آنان جداگانه دفن شده است.

در کنعان و در ایران، جنازه میت را در غار یا در دل کوه قرار می‌دادند. در نقش رس‌تم، در سینه کوه مقبره‌های عظیمی از دوران هخامنشی و ساسانی به یادگار مانده است. از همین رو مقبره‌های داریوش کبیر، اردشیر، داریوش دوم و

تا روز رستاخیز فرار رسد. بدین ترتیب سوزاندن جنازه‌ها کنار گذاشته شد و به همین شکل پس از غلبه مسلمانان بر ایرانیان نهادن جنازه‌ها در دخمه‌ها نیز منسوخ شد.

هر جسد، یک درخت

یکی دیگر از روش‌های تازه ابداع شده که در حال توسعه است، قرار دادن جسد به شکل جنین داخل غلاف به همراه دانه‌هایی مانند افرا یا اکالیپتوس است که همراه با تجزیه بدن، دانه‌ها رشد می‌کنند و به آرامی به جای اینکه گورستانی پر از تخته سنگ ایجاد شود، درختان رشد می‌کنند و هدف از این کار بازگشت جسم به خاک است.

مومیایی کردن

در فرهنگ‌های مختلفی اجساد را برای حفظ در برابر پوسیدگی مومیایی می‌کنند. معروف‌ترین نوع مومیایی، اجساد فرعون‌های مصر است. امروزه در کشوری مانند آمریکا هم اجساد را با موادی که از نفوذ میکروب‌ها جلوگیری می‌کند، می‌پوشانند و پس از قرار دادن در تابوت، آن را دفن می‌کنند.

دفن وسیله‌های شخصی همراه با جسد

در برخی فرهنگ مرده‌ها را با تشریفات کامل رسمی برای دفن حاضر می‌کنند و همراه او وسیله‌های شخصی‌اش را هم قرار می‌دهند؛ با این تصور که مرده‌ها در زندگی پس از مرگ به این وسیله‌ها نیاز پیدا می‌کنند.

مرگ خوب، مرگ بد

شرایط تدفین مرده‌ها در کره جنوبی فرق کرده است. در اوایل دهه ۸۰ میلادی کسانی که نزدیک خانه و خانواده‌شان فوت می‌کردند مرگ خوب داشتند و اگر دور بودند، با عنوان مرگ بد از آن‌ها یاد می‌شد و مراسم ختم و دفن مرده‌ها توسط خانواده‌ها انجام می‌شد. در کره جنوبی در ابتدا سوزاندن مرده‌ها رسم بود. اما این روش در سال ۱۴۷۰ ممنوع شد. در سال ۱۹۴۵ ممنوعیت آن را برداشتند و تا سال ۱۹۹۸ این روش سرعت زیادی پیدا کرد.

بومیان استرالیا با این دیدگاه که مرگ را

خشایارشا در دل کوه قرار دارند.

پس از تصلیب مسیح، جنازه او روی زمین مانده بود. روایت است که ژوزف آریماتئا، از یاران مسیح، گور خود را که در غاری قرار داشت به مسیح بخشید و جنازه او را در آن نهادند. مسیحیان معتقدند مسیح، سه روز بعد زنده شد و از این غار به آسمان عروج کرد. این واقعه که در کتاب مقدس آمده است به روایت «عید پاک» شهرت دارد و منشأ مهم‌ترین عید مسیحیت است.

در فرهنگ ایرانی - زرتشتی تدفین در هوا مرسوم بوده است. در این آیین زمین و آتش تبرک دارد و روح که از بدن انسان بیرون رفت پیکر مرده بسیار پلید و ناپاک می‌شود و هر چیز را آلوده می‌کند. به همین دلیل مرده را نباید به خاک یا آتش سپرد. زرتشتیان از زمان ساسانیان هر جا که بودند دخمه‌هایی می‌ساختند و مرده را به آن‌جا می‌بردند و در هوای آزاد، کنار دیواری قرار می‌دادند تا مرغان شکاری و حیوانات درنده آن‌ها را متلاشی کنند و وقتی که فقط استخوانی از مرده باقی می‌ماند، استخوان او را برمی‌داشتند و در محوطه کوچکی می‌گذاشتند که به آن «ستودان» می‌گفتند. البته نحوه از بین رفتن بدن مرده برای زرتشتیان اهمیت داشت، برای مثال اگر کلاغ یا لاشخور چشم راست مرده را درآورده بود، گمان می‌کردند مرده آمرزیده‌تر است. اما اگر روی پای خود می‌افتاد یا به حال نشستن درمی‌آمد، گمان می‌کردند روح او معذب است. بدتر از همه مرده‌ای بود که سرش از تنش جدا می‌شد.

تدفین امروزی

مسلمانان و یهودیان با سوزاندن مرده مخالف‌اند. در اسلام و یهودیت می‌بایست مرده را در خاک دفن کرد. در یهودیت هر گور، تنها به یک جنازه اختصاص دارد. اما در ایران با افزایش جمعیت، به تدریج از اوایل دهه پنجاه خورشیدی گورهای دو و سه طبقه به وجود آمد. پیش می‌آید که اعضای یک خانواده را در یک گور سه طبقه قرار دهند. سنگی به نام سنگ لحد هر یک از این طبقات را از هم جدا می‌کند و به هر مرده یک سنگ قبر مجزا تعلق می‌گیرد.

گورستان اهل تسنن، ساده است و پیش می‌آید که گورها بی‌نام و نشان باشند و فقط سنگی ساده روی آن بگذارند. در مراکش سنگ قبر را به اندازه قامت مرده می‌تراشند و جز این هیچ نام و نشانی از مردگان باقی نمی‌گذارند.

پس از دوران روشنگری در غرب، سوزاندن جنازه‌ها از نو مرسوم شد. کلیسای کاتولیک تا سال‌ها با این نوع تدفین مخالف بود. با این حال در سال ۱۹۶۹ به دلیل کمبود جا، کلیسا مجبور شد با سوزاندن جنازه موافقت کند. سوزاندن جنازه و دفن خاکستر آن، به مراتب ارزان‌تر از تهیه تابوت و اجاره یک گور به مدت پنج تا سی سال است.

از این رو بسیاری از اشخاص در غرب وصیت می‌کنند که بعد از مرگ جنازه آنان را بسوزانند. در ایتالیا و هلند، مرده را الزاماً نمی‌بایست در گورستان دفن کرد. اما در بسیاری از کشورها مانند ایران، آلمان و فرانسه، مرده باید حتماً در گورستان دفن شود و برای این کار، بازماندگان به جواز دفن نیاز دارند. در آلمان تا سال ۲۰۰۳ مرده را می‌بایست در تابوت می‌گذاشتند و دفن می‌کردند.

و بالاخره این که در فرهنگ ایرانی و اسلامی، آرامگاه و سنگ قبر اهمیت دارد، چنان‌که بسیاری از آرامگاه‌ها از نظر معماری و بسیاری از سنگ قبرها از نظر خوشنویسی، شاهکارهایی به شمار می‌آیند.